

اشاره

یکی از اصول اساسی ترجمه، تسلط کامل مترجم به زبان مبدأ و مقصد است. تسلط باید به گونه‌ای باشد که یک مترجم ادبیات به معنای عام، یعنی از قبیل دستور زبان کامل، معانی و بیان، متشابهات و محکمتات، شعر و ضرب المثلهای، کنایات و اشارات، معانی گوناگون لغات، چگونگی دلالت الفاظ بر معانی، مترادفات و حتی زبان محاوره‌ای که تقریباً صورت عمومی شده‌ی زبان معیار و دستوری است، به خوبی بداند و دیگر اینکه دانستن اصطلاحات هر فنی که مترجم دست به ترجمه متنی از آن فن می‌زند، برای هر مترجم از ضروریات است. با کمال تأسف امروزه هشتاد درصد مترجمان زبان عربی به فارسی و بالعکس، فاقد بیشتر و یا دست‌کم بخشی از این اصول هستند. خوشبختانه در دو ترجمه معرفی شده از قرآن تا حدودی این اصول مراعات شده است. و فارسی‌زبانان می‌توانند از قرآن آن گونه که شایسته این صحیفه الهی است با وجود این ترجمه‌ها، استفاده کنند.

ظرافتها و زیباییهای دو ترجمه ماندگار

ابوالقاسم امامی و سید علی موسوی گرمارودی از قرآن کریم

محمدعلی کوشا*

ظرافتها و زیباییهای ادبی - هنری در ترجمه آقایان دکتر ابوالقاسم امامی و دکتر سید علی موسوی گرمارودی نسبت به دیگر ترجمه‌های قرآن کریم، به مراتب چشمگیرتر و پرجلوه‌تر است. در هر دو ترجمه پا به پای مایه «ادب»، عنصر «هنر» جلوه‌ی جمال خویش را به نمایش گذارده است. در ساختار این دو اثر نفیس ویژگیهای زیر نمایان است:

* محمدعلی کوشا محقق و پژوهشگر معارف اسلامی به ویژه علوم قرآنی است. وی دانش‌آموخته حوزه علمیه قم است. تاکنون از ایشان علاوه بر چندین جلد کتاب، شماری نیز مقالات در نشریات علمی کشور چاپ شده است.



۱. معادل‌یابی کلمات قرآن بر پایه فارسی روان

در سرتاسر این دو اثر جاویدان، معادل‌های پارسی - با حفظ محتوای آیات - به صورت لطیف و روان، برابر آیات قرار گرفته و حجم برابری فارسی نه تنها کوتاه و همخوان، که شیوا و خوشخوان عرضه گردیده است. نمونه‌های زیر را بنگرید:

● «قال رب السجن أحب إلي مما يدعونني إليه و إلا تصرف عني كيدهن أصب إليهن و اكن من الجاهلين».^۱

ترجمه امامی: «گفت: ای پروردگار من، زندان مرا خوش‌تر از آنچه مرا بدان می‌خوانند، اگر نیرنگ‌شان را از من باز نداری، به سوی‌شان می‌گیریم و از نادانان باشم.»

ترجمه گرمارودی: «(یوسف) گفت: پروردگارا، زندان از آنچه مرا به آن فرا می‌خوانند خوش‌تر است و اگر فریب‌شان را از من نگردانی به آنان می‌گیریم و از نادانان خواهیم بود.»
● «و إذا مسكم الضر في البحر ضل من تدعون إلا إياه فلما نجاكم إلى البر أعرضتم و كان الإنسان كفوراً».^۲

ترجمه امامی: «و هر گاه در دریا گزندی‌تان رسد، آنان که می‌خوانید، همگی ناپدید شوند، جز او. پس چون به خشکی رساندتان، روی می‌گردانید، و آدمی بسی ناسپاس است.»
ترجمه گرمارودی: «و چون در دریا گزند به شما رسد آنان که (اکنون به پرستش) می‌خوانید، ناپدید می‌شوند جز خداوند اما چون شما را تا خشکی رساند رو می‌گردانید و آدمی، ناسپاس است.»

● «و لا تزر وازرة وزر أخرى و إن تدع مثقلة إلى حملها لا يحمل منه شيء و لو كان ذا قریب إتما تنذر الذين يخشون ربهم بالغیب و أقاموا الصلوة و من تزكى فإتما یتزكى لنفسه و إلى الله المصیر».^۳

ترجمه امامی: «کس بار کس بر ندارد. اگر گرانباری به برداشتن بار خویش خواند، کس بار او بر ندارد، هر چند خویشاوند باشد. تو تنها کسی را بیم می‌دهی که پروای پروردگارشان به

۱. یوسف، آیه ۳۳.

۲. اسراء، آیه ۶۷.

۳. فاطر، آیه ۱۸.



نادیده می‌کنند و نماز را بر پای دارند. هر که پاکی جوید برای خویش می‌جوید و بازگشت به سوی خداست.»

ترجمه گرمارودی: «و هیچ باربرداری بار (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد و اگر فردی گرانبار (کسی را) برای برداشتن بار خویش، فراخواند چیزی از بار او برداشته نخواهد شد هر چند خویشاوند باشد، تو تنها کسانی را که در نهان از پروردگارشان می‌هراسند و نماز را به پا می‌دارند هشدار می‌دهی و هر کس پاکیزگی پیشه کند به سود خویش کرده است و بازگشت (هر چیز) به سوی خداوند است.»

۲. نشان دادن توانایی زبان فارسی در ارائه پیام الهی

رسالت دیگر این دو ترجمه، نشان دادن ظرفیت و توانایی زبان و ادب پارسی در ارائه پیام الهی به صورت منسجم و گویاست. این دو مترجم توانمند چنان هنرمندانه دُرهای دری را برابر واژگان تازی قرار داده‌اند که خواننده آشنا با دو زبان را به شگفتی و تحسین وامی‌دارد که چگونه برای ترجمه قرآن به فارسی روان، قالبی چنین همگون و خوشخوان با این همه ظرافت و زیبایی وجود دارد! به نمونه‌های زیر بنگرید:

● «و قیل یا أرض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الأمر و استوت علی الجودی و قیل بعداً للقوم الظالمین».^۱

ترجمه امامی: «و گفته شد: ای زمین، آب خود فروبژ، و ای آسمان بس کن. آب فرونشست و فرمان گزارده آمد و کشتی بر جودی بایستاد و گفته شد: نفرین بر مردم ستم‌کار باد.»

ترجمه گرمارودی: «و گفته شد: ای زمین آبت را فروخور و ای آسمان (از باریدن) باز ایست! و آب فروکش کرد و کار پایان یافت و (کشتی) بر (کوه) جودی راست ایستاد و گفته شد: نابود باد گروه ستم‌کار.»

● «و این کادوا لیفتنونک عن الذی أوحینا إلیک لتفتتری علینا غیره و إذا لا تخذوک خلیلاً».^۲

ترجمه امامی: «هر آینه نزدیک بود تو را از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم، به ترفند باز گردانند،

۱. هود، آیه ۴۴.

۲. اسراء، آیه ۷۴.



تا جز آن را بر ما بندی آن هنگام بی‌گمان تو را دوست می‌گزیند.»
 ترجمه گرامرودی: «و نزدیک بود که تو را از آنچه ما به تو وحی کردیم (به ترفند) بازدارند تا جز آن را بر ما بر بندی و آنگاه تو را بی‌گمان دوست می‌گرفتند.»
 ● «هنالك الولاية لله الحق هو خير ثواباً و خيراً عقباً»^۱.
 ترجمه امامی: «آنجا کارسازی، ویژه خدای راستین است، او به پاداش بهتر است و به فرجام نیکوتر.»
 ترجمه گرامرودی: «آنجا، سروری از آن خداوند راستین است، او در پاداش دادن نیکوتر و در بخشیدن بهتر است.»

۳. ارائه هنرزیباشناختی لفظی و معنوی زبان فارسی

از تواناییهای این دو ترجمه نفیس، نشان دادن محسنات لفظی و معنوی زبان فارسی در قالب ترجمه آیات الهی است. اینجاست که هنر «زیباشناختی قرآن» در نثر فارسی جلوه و تجلی پیدا می‌کند و این دو مترجم توانمند به خوبی توانسته‌اند زیباییهای زبان تازی را در زبان پارسی منعکس سازند. به نمونه‌های زیر بنگرید:

● «فلیضحکوا قليلاً و لیبکوا كثيراً جزاءً بما كانوا یکسبون»^۲.
 ترجمه امامی: «پس، باید اندک بخندند و بسیار بگریند، به کیفر آنچه می‌کردند.»
 ترجمه گرامرودی: (از این) پس به کیفر آنچه می‌کردند باید کم بخندند و بسیار بگریند.»
 ● «أتی أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عمّا یشرکون»^۳.
 ترجمه امامی: «فرمان خدا رسیده است، پس در آن مشتایید. پاکا، و برترا، از آنچه انباز کنند.»
 ترجمه گرامرودی: «فرمان (عذاب) خداوند در رسید، به شتاب آن را نخواهید، پاکا و فرا برترا که اوست از آنچه (با وی) شریک می‌دارند.»
 ● «و جاهدوا فی الله حقّ جهاده هو اجتباکم و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملةً أبیکم

۱. کهف، آیه ۴۴.

۲. توبه، آیه ۸۲.

۳. نحل، آیه ۱.



إبراهيم هو سَمَّاكم المسلمين من قبل و فى هذا ليكون الرسول شهيداً عليكم و تكونوا شهداء على الناس فأقيموا الصلوة و آتوا الزكوة و اعتصموا بالله هو مولاكم فنعم المولى و نعم النصير»^۱.
ترجمه امامی: «در راه خدا چنان که شایسته کوشش اوست بکوشید، او شما را برگزیده است و در دین بر شما تنگنایی ننهاد. آیین پدرتان ابراهیم را پی‌گیرید، همو از پیش شما را مسلم نامیده است و در این نیز، تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم، پس، نماز را برپای دارید و زکات دهید. چنگ به ریسمان خدا افکنید، سرپرست‌تان هموست، نیکا سرپرستی و نیکا یاوری.»

ترجمه گرمارودی: «و در (راه) خداوند چنان که سزاوار جهاد (در راه) اوست جهاد کنید؛ او شما را برگزید و در دین - که همان آیین پدرتان ابراهیم است - هیچ تنگنایی برای شما ننهاد، او شما را پیش از این و در این (قرآن) مسلمان نامید تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و به (ریسمان) خداوند چنگ زنید؛ او سرور شماست که نیکو یار و نیکو یاور است.»

به هر حال، این نکته شایسته یادآوری است که آنچه در وهله نخست، سبب جذب مردمان جزیره العرب به قرآن و پیامبر شد، زیبایی و دلپذیری شگفت‌انگیز قرآن پر از فصاحت و بلاغت بود. عرب جاهلی، به ویژه نخبگان فصیح و بیابانگردان سخنور و شاعران بدیهه سرای آن روزگار، به گونه طبیعی و خودجوش، در سخنوری و چکامه سرایی چنان واژگان را در اجرای مقاصد خویش، فصیحانه و هنرمندانه به کار می‌گرفتند، که گاه با این شیوه، قبیله‌ای گمنام و پست بر دیگر قبائل برتری و سروری می‌یافت؛ بنابراین، عرب‌های جاهلی در عصر نزول قرآن، بیش و پیش از آنکه مجذوب محتوای پر بار قرآن شوند، مسحور و مجذوب زیباییها و انسجام کلمات فصیح و بلیغ این کتاب بی‌مانند آسمانی می‌شدند و چون در خود توان مقابله با این معجزه بزرگ نمی‌دیدند، به پیام‌آور بزرگ آن نسبت سحر و ساحری می‌دادند؛ آری، یادآوری این نکته بدان جهت بود که ترجمه این متن بس زیبا و دلپذیر که در اوج فصاحت و بلاغت است، زیباترین و دلپذیرترین ترجمه فصیحانه و بلیغانه را می‌طلبد. یعنی انتقال صحت و سلامت معنا و مفهوم در ترجمه قرآن کافی نیست، بلکه درستی ترجمه

۱. حج، آیه ۷۸.



باید توأم با انتقال ظرافت و زیبایی هنری متن مقدس قرآن نیز باشد. نگارنده این سطور که بسیاری از ترجمه‌ها را دیده و یا توفیق بررسی آنها را یافته است، ترجمه آقایان امامی و گرمارودی را در بُعد «زیباشناختی» و «ارائه هنر زبان فارسی»، آثاری بس گرانبها و حائز اهمیت ویژه می‌داند. چینش زیبای واژگان فارسی، همراه با محسنات لفظی به شیوه نرم و لطیف، هر آشنای به هنر و ادب را سخت شیفته و دل‌بسته این آثار می‌کند.

۴. اسلوب ایجاز با آمیزه ادب و هنر

تبخر و توانایی سخن‌پردازانه همراه با ایجاز و دور از اطناب این دو فرهیخته ادب‌آموز مرا به یاد سخن‌گرانسنگ ادیب وارسته و حاکم برجسته هنرمند عصر ناصری، مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی انداخت که در «پندنامه یحیویه» به فرزند جوانش یحیی می‌نویسد:

«یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیاً»^۱ در ایجاز و اختصار کلام بکوش، که از اطناب و تطویل، شنونده را ملال خیزد و تو نیز به خیره‌سرایي و هرزه‌درایی مشهور گردی. از ادای الفاظ مغلّقه و عبارات غیر مأنوسه کناره جوی که سُخره مردم نشوی. پس تو باید در فنون سخن‌تبحر داشته باشی تا در هر محفلی به مناسبت مقام و در خور طباع سخن‌گویی، و بر تو باد که در تحصیل علوم ادبیه جهد وافی به عمل آوری، و اگر از علوم بهره‌نیایی، زنهار به محض تقلید، به ادای الفاظ و امثال عربیه مبادرت مکن که ادای آن الفاظ از زبان مردم بیسواد به درستی جاری نمی‌شود و چون به درستی جاری نمی‌شود، موجب سخره و استهزاء گردد.^۲

نمونه دیگر از ترجمه این دو مترجم نامدار، گویای اسلوب ایجاز و اختصار با آمیزه ادب و هنر است، ببینید:

● «بسم الله الرحمن الرحيم قل أعوذُ بربِّ الفلق من شرِّ ما خلق و من شرِّ غاسقٍ إذا وقب و من شرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ و من شرِّ حاسِدٍ إذا حسدٍ».^۳

۱. مریم، آیه ۱۲.

۲. سیمای بیجارگروس و حسن آباد یاسوکند، محمدعلی کوشا، چاپ دوم، نشر سیروان، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰.

۳. سوره فلق.



ترجمه امامی: «به نام خداوند مهر گستر مهربان. بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم. از گزند آنچه آفرید. و از گزند شب چون درآید. و از گزند آن زنان که در گرهها دمند. و از گزند رشک بر چون رشک برد.»

ترجمه گرمارودی: «به نام خداوند بخشنده بخشاینده. بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می برم. از بدی آنچه آفرید. و از بدی تاریکی شبا هنگامی که فرا رسد. و از بدی زنان افسونگر دمنده در گرهها. و از بدی رشک آورنده هنگامی که به رشک خیزد.»

● «بسم الله الرحمن الرحيم قل أعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس»^۱.

ترجمه امامی: «به نام خداوند مهر گستر مهربان. بگو: پناه می برم به پروردگار مردمان. پادشاه مردمان. پرستۀ مردمان. از گزند وسوسه گر نهان. آنکه وسوسه می کند در دلهای کسان. از پریان و آدمیان.»

ترجمه گرمارودی: «به نام خداوند بخشنده بخشاینده. بگو: به پروردگار آدمیان پناه می برم. فرمانفرمای آدمیان، خدای آدمیان، از شر آن وسوسه گر واپسگریز. که در دلهای آدمیان وسوسه می افکند. از پریان و آدمیان.»

۵. قلت حجم و کثرت معنا

از دیگر ویژگیهای این دو ترجمه، قلت حجم ترجمه همراه با کثرت معنا و استواری و ظرافت در ترکیب هنرمندانه واژگان فارسی است. به نمونه‌های زیر بنگرید:

● «الله نور السموات والأرض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاج كأنها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء و يضرب الله الأمثال للناس والله بكل شيء عليم»^۲.

ترجمه امامی: «خداوند فروغ آسمانها و زمین است. داستان فروغ اش چون چراغ دانسی است که در آن چراغی است، چراغ در آبگینه چون اختری است تابان، که از روغن درختی

۱. سوره ناس.

۲. نور، آیه ۳۵.



خجسته افروزندش از زیتون بُنی که نه خاوری است و نه باختری.^۱ نزدیک است روغن اش خود درخشد، هر چند آتشی اش نرسد. فروغی بر فروغی، خداوند هر که را خواهد به سوی فروغ خویش راه نماید، خداوند برای کسان مثلها آرد، خداوند دانا بر هر چیزی است.»

ترجمه گرامرودی: «خداوند، نور آسمانها و زمین است، مثل نور او چون چراغدانی است در آن چراغی، آن چراغ در شیشه‌ای، آن شیشه گویی ستاره‌ای درخشان است کز درخت خجسته زیتونی می‌فروزد که نه خاوری است و نه باختری، نزدیک است روغن آن هر چند آتشی بدان نرسیده بفروزد، نوری است فرانوری، خداوند هر که را بخواهد به نور خویش رهنمون می‌گردد و خداوند این مثلها را برای مردم می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست.»

● «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أُنَبِّئُهَا نَبَأًا حَسَنًا وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كَلِمًا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَ جَدَّ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ اتِّي لِكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۲.

ترجمه امامی: «پس، پروردگارش، مریم را از او به پذیرش نیکو پذیرفت، و او را نیکو برآورد و زکریا را به سرپرستی اش گماشت. هر بار که زکریا در نمازگاه به نزد وی می‌رفت، در برابرش روزی‌ای می‌یافت. گفت: ای مریم، تو را این از کجاست؟ گفت: از نزد خداست. خدا به هر که خواهد بی‌شمار روزی دهد.»

ترجمه گرامرودی: «پس خداوند آن (دختر) را به نیکی پذیرفت و به نیکی (پروراند و) برآورد و زکریا را سرپرست او کرد و هر گاه زکریا در محراب (عبادت) نزد وی می‌رفت کنار او، رزقی می‌یافت و می‌پرسید: ای مریم! این از کجا برای تو آمده است؟ و او گفت: از نزد خداوند؛ (آری) خداوند به هر که بخواهد بی‌حساب (و شمار) روزی می‌دهد.»

● «خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيًّ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ»^۳.

۱. «یعنی سوخت آن چراغ از روغن درخت زیتون باشد، درختی که از همه سو آفتاب می‌خورد و زیتون اش خوب و پر روغن است.» (توضیح مترجم در پانوشت)

۲. آل عمران، آیه ۳۷.

۳. لقمان، آیه ۱۰.



ترجمه امامی: «آسمانها را بی ستونی که ببینیدش آفرید، و در زمین کوهها نهاد که نجبانندان، و در آن از هر جنبندهای بپراکند. از آسمان آب فرستادیم و در زمین از هر گونه نیکویی رویاندیم.»
ترجمه گرمارودی: «آسمانها را بی ستونهایی که بتوانیدشان دید آفرید و در زمین کوههایی استوار درافکند تا (زمین) شما را نجبانند و در آن از هر گونه جنبندهای پراکند و از آسمان آبی فرو فرستادیم و در آن از هر گونه (گیاه) بارزشی رویاندیم.»

مجموع ویژگیهایی که برشمردم، این دو ترجمه را در میان دیگر ترجمه‌ها - در بُعد اسلوب ادبی و هنری فارسی‌گرایانه واژگان - برجسته و کم‌نظیر ساخته است. البته گرایش به سرنگاری در ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی به مراتب بیشتر از ترجمه دکتر موسوی گرمارودی است، و از طرفی توجه به نثر معیار در ترجمه گرمارودی نمایان‌تر از ترجمه امامی است.

مبنای دو ترجمه

بی‌گمان، هر صاحب اثری در تألیف، تصنیف و یا ترجمه‌اش، علاوه بر مبانی مشترک عمومی، به مبنای ویژه خویش پایبند است. بخش معظم اختلافها در خلق آثار نیز به نوعی به اختلاف در مبنا بازگشت می‌کند. اختلاف در مبنا هم به «ساختار وجودی» افراد انسانی برمی‌گردد و ساختار وجودی هر کسی هم به ذات او برمی‌گردد و آن هم روشن است؛ که «الذاتی لا یعلل.» سخن قرآن کریم هم روشن‌گر این واقعیت است که «قل کلّ یعمل علی شاکلته»^۱ بگو: هر کسی بر طینت خود می‌تند! از این جهت، چشمداشت مبنای واحد برای همه آفرینندگان آثار، انتظاری دور از واقع خواهد بود. ما باید این واقعیت را بپذیریم که اثر هنری هر هنرمندی با همه ویژگیهایش تنها مولود ذهن و اندیشه اوست و هیچ کس در خلق اثری هنری نمی‌تواند شریک دیگری باشد.

مبنای دکتر امامی در ترجمه قرآن، ارائه نثری شیرین و روان در قالب واژگان پارسی، به اندازه حجم متن قرآن، بی‌هیچ حشو و زوائد و توضیح و تفسیری در متن است. او به انگیزه دستیابی به چنین هنری، این آرزو در سر می‌پروراند که:

تا مگر روزی به ترجمه‌ای رسیم که سایه‌وار و پایاپای، با روند متن سخن خدا



پیش رود، و به فراخور توان زبان، و توانایی تر زبان، با قرآن همبر و همراه باشد. آن هنگام است که کار ما از شیوایی و زیبایی قرآن کریم بهره‌ای خواهد داشت. و از درخشش آیه‌های تابناکش پرتوی خواهد برد. و سرانجام خواننده پارسى زبان نیز اندکی از شیرینی کلام وحی را خود به کام خویش، نه به گزارش این قرآن، در خواهد یافت، و آن تأثیر راستین که فلسفه اصلی «خواندن» است در او نیز، همچون خواننده عرب پدیدار خواهد شد.

نگارنده تا مرز توان کوشیده است تا معانی واژگان و ساختارهای زبان قرآن را فراسوی دگرگونیهای معناشناختی‌اش، یعنی هم در جایگاه تاریخی خود، دریابد و آرشهای دیگر شده پسین را به جای معانی رایج و زنده زمان نزول نگیرد.

پس، در ترجمه متنی چنین والا و چنین آرمین، نیاز به زبانی است ساخته و استوار، پوینده بر آهنگ همراهی با آیش و روش و آرش واژگان و گزاره‌ها، و کوشنده در راه همبری با ساختار و هنجار بیانی متن کلام خدا، بدان سان که هست. چنان که اگر در جای جای توضیحی یابد، همان به، که نه در میانه سخن خدا! که برون از کلام او بیاید، تا از یک سو، ارج ساختار و آهنگ معنایی کلام خدا پاداش داشته شود، و از سوی، نیاز توضیح هم در جای خود برآورده گردد، تا کار سبب تجزیه گزارشهای وحی و گسیختگی سخن در آیه‌های شریف نشود، یا با کاست و فرود در بیان و دستکاری در ساختارهایش، گونه‌ای ویرایش در متن کلام خدا صورت نگیرد! آن هنگام است که سخن ناب نبی - باری - با تازگی نخستین بر خواندن نبی (ص) بر دل خواننده پارسى زبان نیز تواند نشست.

از همین رو، نگارنده در این ترجمه، در جاذبه آهنگ معنایی سخن در متن کلام خدا بوده است و تا آنجا که توانست از آن گریز نخواست و در پی آشفتن سامان‌اش برنیامده است.^۱



۱. به نقل از مؤخره ترجمه قرآن دکتر امامی، تحت عنوان «قرآن و ترجمه»، چاپ دوم، ۱۳۷۷ خورشیدی، انتشارات اسوه.

آری، آنچه امامی در ترجمه قرآن به دنبال آن است، «ترجمه پایاپای با روند متن سخن خداست» و روشن است که این مبنای روش ویژه خود را داراست. زبان ترجمه امامی، زبان محاوره‌ای کوچکی و بازار نیست، بلکه زبان دانشوران فرهیخته است. این جانب پس از انتشار چاپ نخست آن، نقدی بلند بر آن نگاشتم که در مجله میراث جاویدان، شماره پیاپی ۶ در تابستان ۱۳۷۳ انتشار یافت. در آن نقد، ضمن برشمردن امتیازات آن، به ۷۷ مورد نقاط ضعف آن نیز اشاره نمودم. چاپ دوم آن نیز که با تجدید نظر مترجم محترم همراه بود، اصلاحات انجام شده در آن فراتر از نقد مذکور بود، لذا بر آن شدم که به معرفی آن بپردازم. به همین جهت مقاله‌ای تحت عنوان «جلوه‌های ادب و هنر در ترجمه قرآن دکتر ابوالقاسم امامی» در مجله میراث جاویدان شماره پیاپی ۲۳ - ۲۴ در سال ۱۳۷۷ درباره آن نوشتم که با استقبال قرآن پژوهان، به ویژه علاقه‌مندان به فن ترجمه مواجه گردید. برای سومین بار با مذاقه بیشتری بدان نگریدم و یادداشتهایم را بر حواشی چاپ دوم برای مترجم ارجمند آن فرستادم تا اگر خدا بخواهد ضمن بررسی مجدد، چاپ سوم آن با ویرایش کامل این جانب عرضه گردد.

آنچه مرا واداشت که این ترجمه را بیشتر بررسی کنم، امور زیر بوده است:

۱. نثر فحیم و گویای امامی که در مسیر تقویت زبان فارسی، اثری ماندگار و تأثیرگذار در تاریخ ادب معاصر به حساب می‌آید.
۲. استقلال علمی و فنی مترجم در ارائه ترجمه‌ای بدیع و ابتکاری در نوع خود، از موارد دیگر است. من با جرئت تمام می‌گویم که ترجمه امامی مستقل‌ترین ترجمه از میان ترجمه‌های نیم قرن اخیر است. شماری از ترجمه‌های بعد از او کم و بیش از او تأثیر پذیرفته‌اند و یا دست کم از واژگان او در معادل‌یابی کلمات قرآن استفاده نموده‌اند، ولی او خود از هیچ ترجمه هم‌عصر خویش تأثیر نپذیرفته و سبک و سیاق هیچ مترجمی را نیز در کار ترجمه خود، دخالت نداده است. البته بهره‌گیری از دستمایه‌های ذخائر ادبی کهن تازی و پارسی و تفاسیر پراچ گذشتگان چیزی است که هیچ مفسر و مترجم ادیبی بی‌نیاز از آن گنجینه‌ها نیست، و در این باره مترجم محترم نیز اذعان دارد که فروغ آن آثار، راهنمای او بوده است:

در این راه از ترجمه‌های کهن، و از داده‌های مفسران بلندپایه، و



تفسیرهای پرمایه تازی و پارسی‌شان، و نیز از منابع اصیل لغت و فقه اللغة و فروق و بلاغت و شاخه‌های نُبی‌شناسی و پیراقرآنی که از شرطهای ترجمه قرآن کریم است، یاری گرفته و بدان پشتگرم بوده است، و تا مرز توان کوشیده است تا معانی واژگان و ساختارهای زبان قرآن را از فراسوی دگرگونیهای معانشناختی‌اش، یعنی هم در جایگاه تاریخی خود، دریابد و آرشهای دیگر شده پسین را به جای معانی رایج و زنده زمان نزول نگیرد.^۱

۳. پایبندی به ساختار ادبی - هنری قرآن و اعمال شیوه پایاپای متن در ترجمه، از دیگر ویژگیهای آن است. امامی در این باره توفیقی نسبی پیدا کرده است، هر چند او دستیازی کامل بدان را ناممکن می‌داند. او خود در این باره چنین گوید:

سخن گفتن از امکان رسیدن به ارزشهای لفظی و معنایی قرآن کریم، و آوردن ماندش، به هر زبانی، گزافی بیش نیست، اما کمال در پوییدن راه کمال است، نه در وصول به آن. چه کمال ویژه خداست. در این راه، اوج توفیق در «آینه‌داری» است، نه در «آن آری». اینجا، از دو پاداش کوشنده تنها یکی در کار است: پاداش کسی که در کوشش خود کامیاب نیست، که کار، خود به نیت است.^۲

سخن پایانی در مورد ترجمه امامی اینکه: این اثر ارجمند ویژه خواص، با نقادی ناقدان سخن‌شناس همچنان راه تعالی و پیراستگی آن از کاستیها، برای ارائه چاپ سوم بازخواهد بود. امید است که اهل ادب، به ویژه مترجمان هنرمند قرآن‌پژوه، با نگاه ادبی - هنری خویش در تکمیل این اثر بکوشند. شایسته یادآوری است که چاپ سوم ترجمه دکتر امامی با ویرایش این جانب در شرف چاپ و نشر است.

مبنای دکتر گرمارودی در ترجمه قرآن، هر چند وجوه اشتراکی با دکتر امامی دارد، اما سبک و سیاق آن به گونه دیگر است. او در ترجمه‌اش برخلاف دکتر امامی، کم و بیش قیودی توضیحی در میان پرانتز عرضه داشته و همه «واوها» و کلمات زائد و حروف تأکید را در ترجمه

۱. از مؤخره ترجمه امامی، چاپ دوم.

۲. مؤخره ترجمه امامی، چاپ دوم.



لحاظ کرده است. در این ترجمه هر چند پابندی به فارسی‌گرایی محسوس است، اما از واژه‌های کهن و یا متروک استفاده نشده است. تلاش مترجم محترم بر آن بوده که به قواعد دستور زبان فارسی پایبند باشد و نثر معیار را با لطافت و نرمی واژگان معمول و مصطلح ارائه نماید. او برخلاف دیگر مترجمان، بیشتر پانوشتهایش را به ذکر منابع لغوی و مأخذ ادبی و گاه اشباه و نظائر و احیاناً شأن نزولها و یا نمونه دیگر از ترجمه آیات اختصاص داده است. این جانب مقاله‌ای مبسوط تحت عنوان «معرفی و بررسی ترجمه دکتر گرمارودی» در معرفی و نقد این اثر در شماره ۴۹ - ۵۰ مجله بیات نوشته‌ام و به همه ابعاد قوت و احیاناً ضعف آن همراه با پیشنهادهایی اشاره کرده‌ام و در مجموع آن را ترجمه‌ای موفق و ارزشمند برای همگان به ویژه ادب دوستان دانسته‌ام.

سخن پایانی در باره ترجمه دکتر گرمارودی اینکه: این ترجمه نفیس، رونق افزای نثر قویم فارسی به شیوه نثر معیار گشته و گاه لطافت و ظرافت نثری را به گونه شاعرانه در لابه‌لای چینش هماهنگ و گاه موزون کلمات به نمایش گذارده است. در این اثر از به کارگیری کلمات مترادف پرهیز به عمل آمده و وفاداری به متن مقدس، مد نظر قرار گرفته و تا سرحد امکان زیباپردازی در نثر رعایت شده است. در مواردی هم معادلهای ابتکاری رخ نموده و در پایان ترجمه، مؤخره‌ای عالمانه به عنوان «پی‌نگاشت» همراه با مقاله‌ای بلند از جناب استاد خرمشاهی زینت‌بخش این اثر شده است.

به هر حال ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی و همچنین ترجمه دکتر موسوی گرمارودی، نقطه عطفی در تاریخ ادب معاصر به حساب می‌آیند. به امید آنکه اهل ادب و هنر با نگاه نقادانه موجبات سیر تکاملی این دو اثر را فراهم آرند.





پروژه‌سگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

